

The Model of Religious Education in *Nahj al-Balāgha* Based on the Psychological Analysis of “Defense Mechanisms” and Its Application in Correcting Maladaptive Behaviors through the Grounded Theory Method

Zahra Alimoradi 

Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran.
z.alimoradi@cfu.ac.ir

Abstract

This study investigates one of the fundamental discussions of psychology, namely defense mechanisms, through the dialogues of opponents and hypocrites in the conduct of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), especially during the caliphate of the Commander of the Faithful (peace be upon him), with the aim of identifying and extracting concrete instances of these mechanisms and presenting them as specific manifestations of defensive behaviors. The subsequent focus is on the conflicts and psychological anxieties, as well as the treatment of psychological disorders, particularly the ways in which maladaptive behaviors were confronted, controlled, and corrected by the leader of the community. The central problem of the research is to examine the perspective of *Nahj al-Balāgha* toward maladaptive psychological behaviors of different groups, thereby presenting the method of control and management of such behaviors by the divine leader in the language of psychology, and exploring how a model of religious education with respect to behaviors arising from unhealthy defense mechanisms can be drawn from the narrative sources, especially *Nahj al-Balāgha*. The research method employed was “rules of understanding hadith” in the study of narratives and the grounded theory method in the analysis of data. Accordingly, the educational components extracted from *Nahj al-Balāgha* were categorized through open, axial, and selective coding, and the model was ultimately deduced. The results show that five maladaptive behaviors corresponding to defense mechanisms, namely rationalization, projection, pseudo-sublimation, devaluation, and omnipotence, were observed among the opponents. Four corrective methods for maladaptive behavior were identified at two levels: (1) negative—avoiding the implantation of excuses; and (2) positive—raising awareness, unveiling duplicity, and resolute disclosure.

Keywords: Religious Education, Defense Mechanisms, Maladaptive Behaviors, Grounded Theory, Nahj Al-Balāgha, Psychological Defense Mechanisms.

Received: 2025/04/05 ; **Revised:** 2025/05/30 ; **Accepted:** 2025/07/23 ; **Published online:** 2025/10/02

Cite this article: Alimoradi, Z. (2025). The Model of Religious Education in Nahj al-Balāgha Based on the Psychological Analysis of “Defense Mechanisms” and Its Application in Correcting Maladaptive Behaviors through the Grounded Theory Method. *Research Quarterly of Islamic Education and Training*, 6(3), p. 33-56.
<https://doi.org/10.48310/RIET.2025.19037.1407>

Publisher: Farhangian University

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights





الگوی تربیت دینی در نهج البلاغه بر اساس تحلیل روان‌شناختی «سازوکار دفاع روانی» و کاربرد آن در اصلاح رفتارهای ناسازگار با روش داده‌بنیاد

زهرآ علیم‌رادی^۱

گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. z.alimoradi@cfu.ac.ir

چکیده

در این پژوهش، یکی از اساسی‌ترین بحث‌های روان‌شناسی، یعنی سازوکارهای دفاع روانی، از میان گفتگوهای شخصیت‌های مخالف و منافق در سیره اهل‌بیت(ع)، بویژه دوران خلافت امیرالمؤمنین(ع) کشف و استخراج گردیده‌اند، تا به گونه مصداقی و مشخص، الگوی بروز این موارد در نوع ویژه‌ای از عناصر روانکاوی با عنوان مکانیزم‌های دفاعی، ارائه و تشریح شود. در مرحله بعد، توجه کردن به تعارض‌ها و اضطراب‌های روحی و درمان نابسامانی‌های روانی است که یکی از مهم‌ترین آنها نحوه مواجهه، کنترل و تصحیح این رفتارهای ناسازگار توسط امام جامعه است. مسئله اصلی پژوهش بررسی نگاه نهج‌البلاغه نسبت به کنش‌های روانی ناسازگارانه گروه‌های مختلف است، تا از این رهگذر نحوه‌ی کنترل و مدیریت این رفتارها از جانب رهبر الهی به زبان روان‌شناسی ارائه شود؛ و اینکه چگونه مدل تربیت دینی نسبت به رفتارهای ناشی از دفاع روانی ناسالم در متون روایی، بویژه نهج‌البلاغه قابل ترسیم است. روش تحقیق در بخش مطالعات روایی با رعایت «قواعد فهم حدیث» و در بخش تحلیل داده با استفاده از روش «داده‌بنیاد» است. به این ترتیب مؤلفه‌های تربیتی مستخرج از نهج‌البلاغه از طریق کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی، مقوله‌بندی و در نهایت الگوی آنها اصطیاد شد. با توجه به نتایج پژوهش، پنج رفتار ناسازگار با تحلیل سازوکار دفاع روانی شامل «دلیل‌تراشی، فرافکنی، والایش ساختگی، بی‌ارزش‌سازی و همه‌کار‌توانی» در میان مخالفان مشاهده شد. چهار روش تصحیح رفتار ناسازگار در دو سطح (۱) سلبی: عدم تلقین بهانه، (۲) اثباتی: آگاه‌سازی، رفتار دوگانه‌نما و افشاء قاطعانه صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، مکانیزم دفاعی، رفتارهای ناسازگار، روش داده‌بنیاد، نهج‌البلاغه، سازوکار دفاع روانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰
استناد به این مقاله: علیم‌رادی، زهرا (۱۴۰۴). الگوی تربیت دینی در نهج‌البلاغه براساس تحلیل روان‌شناختی «سازوکار دفاع روانی» و کاربرد آن در اصلاح رفتارهای ناسازگار با روش داده‌بنیاد. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۶(۳)، ص ۳۳-۵۶.

<https://doi.org/10.48310/RIET.2025.19037.1407>

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه فرهنگیان

©۱۴۰۴/نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

روان انسان برای دفاع از خودش در برابر عواملی که عزت نفس و ثبات روانی را تهدید می‌کند، سازوکارهای بسیار خلاقانه و مؤثری ابداع می‌کند که در روان‌شناسی از آن به مکانیزم دفاعی^۱ یاد می‌شود. این مفهوم اولین بار در سال ۱۹۲۶ توسط فروید^۲ مطرح شد و سپس، توسط دخترش آنا^۳ با اصلاح، شناسایی و توصیف بیشتر آنها دنبال گردید. بعدها فنیکل^۴ در سال ۱۹۴۵، مفهوم مکانیزم‌های دفاعی را مورد تجدیدنظر قرار داد و بیشتر بر نقش این سازوکارها برای حفاظت از عزت نفس تأکید کرد. از نظر فنیکل، افراد دید مطلوبی به خودشان دارند و از این دیدگاه خود در برابر هر عاملی که بخواهد آن را تغییر دهد، یا زیر سؤال ببرد، دفاع می‌کنند. اکثر روان‌شناسان معاصر معتقدند که افراد از عزت نفس‌شان در برابر تهدیدهایی نظیر ناکامی، شرمندگی و طرد از گروه دفاع می‌کنند (لارسن و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۲۰؛ فیست و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۳). بنابراین، مکانیزم دفاع روانی، سازوکاری است که در شرایط اضطراب از سوی روان انسان در جهت کم کردن تکانه‌های روانی از جمله غم، اضطراب، ترس، ناراحتی و خشم به کار می‌رود؛ تا یک سد دفاعی به منظور حفظ روان از آسیب‌های دوره بحران باشد. اگر دفاع‌ها به صورت محدود و کنترل‌شده استفاده شوند، موجب کاهش تنش، ناامیدی و احساسات منفی در شخص می‌شوند؛ در حالی که استفاده بیش از حد دفاع به بیماری‌های روان‌شناختی ارتباط پیدا می‌کند (کارمر^۵ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۱). گرچه این سازوکارها در شرایط تنش‌زا معمولاً به صورت ناخودآگاه بروز می‌کند؛ اما براساس مطالعات بالینی و تجربی، به صورت خودآگاه قابل کنترل و مدیریت‌اند. در روان‌شناسی، تکنیک‌هایی وجود دارد که به طور مؤثر می‌توان دفاع‌ها را اداره کرد (اوتر، ۱۳۸۳، ص ۹۶-۹۹)؛ اگرچه دفاع‌ها نامحدود هستند (بلکمن^۶، ۲۰۰۴، ص ۴).

ادبیات پژوهش شامل موارد زیر است: منابع روان‌شناسی مانند کتاب زمینه روان‌شناسی هلیگارد، اصول مصاحبه بالینی و روان‌شناسی عمومی مربوط به موضوع شخصیت؛ همچنین، منابع تفسیری و روایی مخصوصاً نهج البلاغه. از میان منابع تنها یک کتاب به طور مستقیم با ایده مقاله هماهنگی دارد و بقیه به صورت جزئی با برخی از مکانیزم‌ها ارتباط پیدا می‌کند:

1. Defense Mechanisms
2. Sigmund Freud
3. Anna Freud
4. Otto Fenichel
5. Cramer
6. Blackman

(۱) عباس‌نژاد (۱۳۹۰)، در کتاب «راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (۱)»، به صورت روشمند مباحث مربوط به روان‌شناسی و علوم تربیتی را جمع‌آوری کرده؛ اما تنها به ۴ مکانیزم دفاعی در قرآن کریم اشاره نموده و تبیین خاصی صورت نگرفته است. علاوه بر این، به مدبریت مکانیسم‌ها و منابع روایی نظر نداشته است.

(۲) شاملی (۱۳۷۹)، در در پژوهشی با عنوان «پیش‌نیازهای بهداشت روانی در سوره یوسف»، به طور ضمنی به بحث مکانیزم‌های دفاعی در رفتار برادران یوسف می‌پردازد. با این حال، بحث حاضر با تمرکز بر مدیریت دفاع‌ها و ارائه راهکار تربیتی است و با دامنه بسط بیشتر، موضوع را بررسی می‌کند.

(۳) کاویانی و موسوی (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «روان‌شناسی در قرآن، بنیان‌ها و کاربردها»، به بحث ناخودآگاه از دیدگاه متون دینی پرداخته است؛ که به طور غیرمستقیم با بحث دفاع‌های روانی به عنوان مکانیزم‌های ناخودآگاه ارتباط دارد.

(۴) فتحی (۱۳۹۱)، در «رابطه احساس امنیت و بهداشت روانی در قرآن کریم»، ذکرالله را به عنوان قاعده عمومی در عقاید، اخلاق و رفتار به عنوان تأمین‌کننده امنیت روانی و در مقابل، إعراض عن ذکرالله را زمینه‌ساز احساس ناامنی و اضطراب معرفی می‌کند. این مقاله، عوامل امنیت‌ساز و امنیت‌سوز را در قرآن بیان نموده و به سان دیگر مقالات مرتبط، فقط به صورت جزئی در مدیریت مکانیزم‌های دفاعی از جمله «ایجاد آرامش» قابل استفاده است. لذا، از نظر دامنه موضوعی با مقاله حاضر همپوشانی خاصی ندارد.

(۵) رضایی هفتاد (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی نظریه روانکاوی فروید از منظر معارف و حیانی به‌ویژه نهج البلاغه»، علاوه بر طرح مباحث مبانی در حوزه روان‌کاوی فروید، به نقد فیزیکیسم مورد پذیرش فروید در روان‌پوشی می‌پردازد. این اثر از حیث مبنایی در بخش چارچوب نظری و همچنین از حیث روش مفید است.

۲. نوآوری پژوهش

مقاله حاضر از سه جنبه جدید است: اول، مفهوم تربیت دینی را براساس مفهوم روان‌شناختی «مکانیزم دفاع روانی» بررسی کرده است؛ کاری که قبلاً انجام نشده است. دوم، روش مواجهه با این مکانیزم‌های ناسازگار را طبق سیره اهل بیت (ع)، کشف و اصطیاد نموده است؛ که جنبه کاربردی بودن را بیشتر می‌کند. سوم، از روش تحقیق داده‌بنیاد برای اصطیاد شیوه تربیت دینی برای گروه مخالفان استفاده شده است.

۳. مسئله پژوهش

روان انسان به صورت طبیعی برای حفظ آرامش خود از روش‌هایی استفاده می‌کند که به آن مکانیزم‌های

دفاع روانی می‌گویند (نظام‌زاده و قمری گیوی، ۱۳۸۷، ص ۳۴). برای نمونه، در صورت ارتکاب عملی ناپسند، فرد ممکن است برای کاهش احساس گناه و التیام وجدان، به توجیه یا فرافکنی روی آورد؛ تا خود را از عذاب وجدان رها کند و به این ترتیب، احساس آرامش برقرار سازد (بلکمن، ۲۰۰۴، ص ۱۴). استفاده غیرمتعارف و خارج از تعادل از این مکانیزم‌ها، منجر به بروز رفتارهای ناسازگار و بیمارگونه شده و در نتیجه، فرد دچار نوعی اختلال رفتاری می‌شود. اگر شخصی بیش از حد، اقدام به استفاده از این مکانیزم‌ها نماید؛ دچار رفتارهای ناسازگار و بیمارگونه می‌شود و به نوعی دچار اختلال رفتاری شده است (کارمر، ۲۰۰۹، ص ۱). از این رو، مدیریت مؤثر این مکانیزم‌های دفاعی اهمیت ویژه‌ای دارد. مسئله پژوهش این است که آیا رفتارهای مذموم افراد در مقابل معصوم (ع) قابل تبیین بر پایه مفهوم روان‌شناسی «مکانیزم دفاع روانی» است؟ و مهم‌تر اینکه رفتارهای مدیریتی امام (ع) برای جلوگیری از سرایت این اختلال رفتاری به کل جامعه و نیز هدایت و ارشاد این افراد چیست؟ به عبارتی، «کدام مدل تربیتی توسط امام (ع) برای تربیت و هدایت مخالفین خویش با تکیه بر تحلیل روان‌شناختی رفتارهای ناسالم، به کار گرفته شد؟».

۴. روش پژوهش

نظریه «داده بنیاد»^۱، ابزار پژوهشی قدرتمندی برای گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش است که به جای روش کمی، به روش کیفی توجه دارد و به عنوان یکی از روش‌های اصلی تحقیق در حال گسترش است (آلان، ۲۰۰۳^۲، ص ۱؛ ساتو، ۲۰۱۹^۳، ص ۱، ۷). پایه‌ای‌ترین مرحله، استخراج شناسه‌ها، مفاهیم و طبقه‌بندی آنها است. ادغام شناسه‌های مرتبط برای کشف مفاهیم جدید، بخش مرکزی روش داده‌بنیاد است (آلان، ۲۰۰۳). گام بعدی، کدگذاری محوری است که فرآیند مرتبط کردن گروه‌ها و زیرگروه‌هایشان است. سپس، کدگذاری انتخابی انجام می‌شود که فرآیند انتخاب سیستماتیک مقوله اصلی و ارتباط دادن آن با سایر مقولات است (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۰؛ استراس و کوربین، ۱۳۹۰، ص ۶۱، ۹۷، ۱۱۸). در نهایت، کاربرست این مفاهیم در یک الگو مقایسه و ترسیم می‌شود (آلان، ۲۰۰۳). در گام اول، احادیث ناظر بر رفتار یا سخن ناسازگار مخالفان و منافقان، بویژه در نهج البلاغه جمع‌آوری شد. سپس کدگذاری باز، محوری و انتخابی از طریق عنوان‌دهی به نکات کلیدی و طبقه‌بندی در قالب جدول صورت گرفت؛ تا از این رهگذر، مفاهیم و مختصات آنها کشف گردد. در مرحله بعد، کدگذاری نسبت به

1. Grounded Theory Approach (GTA)

2. Allan

3. Sato

مدیریت این رفتارها بررسی شد. این بخش، مهم‌ترین قسمت پژوهش حاضر است؛ زیرا آنچه ارزشمند است نحوه رفتار امام جامعه نسبت به رفتارهای ناسازگار است؛ و نه صرفاً شناسایی رفتارهایی که صرفاً با پدیده مکانیزم دفاع روانی قابل تحلیل باشد.^۱



نمودار ۱- سیر پژوهش برای طراحی الگوی تربیت دینی و شیوه اصلاح و کنترل رفتارهای ناسازگار مخالفین
براساس تحلیل روان‌شناختی «مکانیزم دفاع روانی» در منابع روایی

۵. اهداف پژوهش

پژوهش حاضر درصدد است با به‌کارگیری شیوه تحلیل محتوای کیفی و با مرور سیره اهل بیت (ع)، مخصوصاً نهج البلاغه، به برداشت‌هایی روان‌شناسانه دست یابد که در راستای کشف و اصطیاد پیام‌های مربوط به روش‌های دفاع روانی و مدیریت آنها با پیگیری روابط و رفتارهای اجتماعی معصومین پردازش شده است. در برخی احادیث، به موقعیت‌هایی اشاره شده که بیانگر شرایط اضطراب انسان‌ها و

۱. در این مطالعه فرض شده است که مفاد گزاره‌های تجویزی در نظریه تربیتی، از قابلیت تحلیل و تبیین به رابطه‌های عینی «وسیله-هدف» برخوردارند. به عبارت دیگر، اصول و دستورات تربیتی می‌توانند در قالب رابطه‌های علت و معلول، به عنوان روابط واقعی و قابل سنجش مورد بررسی قرار گیرند. این فرض، نقش پایه‌ای در تحلیل و تبیین شرایط پدیده مورد نظر دارد و در فرآیند تحلیل‌های انجام شده، مبنای منطقی و نظری محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که پذیرش این فرض، محدودیت‌هایی دارد و می‌تواند در تحلیل‌های آتی با توجه به رویکردهای مختلف، مورد بازبینی و بررسی قرار گیرد.

عکس‌العمل‌های ایشان است. از کنش و واکنش‌های معصومین می‌توان به‌عنوان الگو برای دفاع و حفاظت از آسیب‌های روانی سود جست. بیان مصادیق، کشف الگوی تربیت روانی در شرایط اضطراب‌زا، نحوه کنترل و مدیریت عکس‌العمل‌های صادره از انسان در این شرایط و در نهایت، رسیدن به مفاهیم جدید و «مفهوم‌سازی» بر پایه آموزه‌های اسلامی از اهداف پژوهش حاضر است. این مفهوم بیان شده، با اصطلاح «مکانیزم‌های دفاعی» در روان‌شناسی متناظر است. برخی از این مکانیزم‌ها موجب رفع مشکل و برخی باعث ایجاد مشکلات مضاعف برای انسان می‌شود. الگوهایی که از روی عملکرد مؤمنان قابل بازطراحی است، این امکان را به‌وجود می‌آورد تا بتوان با استفاده از نحوه کنش و واکنش‌های شخصیت‌های تاریخی در سیره معصومین (ع) در مرحله اول، دفاع‌های روانی را شناخت و در مرحله بعد، آن را کنترل و مدیریت نمود. پژوهش حاضر، رفتارهای ناسازگار مخالفین در تاریخ امیرالمؤمنین (ع) و روش مواجهه، تصحیح و تربیت این رفتارهای ناسازگار را براساس مفهوم مکانیزم دفاع روانی، تحلیل می‌کند.

۶. یافته‌ها

نتایج پژوهش، شامل دو بخش است: بخش اول، رفتارهای ناسازگار و بخش دوم، روش مواجهه و اصلاح این رفتارهای ناسازگار را بیان می‌کند.

۶-۱. رفتارهای ناسازگار مخالفین در نهج البلاغه

از آنجا که استفاده از دفاع‌ها بخشی از عملکردهای طبیعی روزانه انسان‌ها است (نظام‌زاده و قمری گیوی، ۱۳۸۷، ص ۳۴)؛ با بررسی سیره معصومین، برخی از عکس‌العمل‌های افراد در موقعیت اضطراب در قالب مفهوم دفاع روانی قابل تبیین است. به‌گونه‌ای که رفتار معصوم (ع) ناظر به پذیرش یا رد، کنترل و در نهایت، مدیریت این بخش از رفتارهای مخاطبان است، شامل: دلیل‌تراشی، فرافکنی، والایش ساختگی، بی‌ارزش‌سازی و همه‌کارخوانی.

جدول ۱- کدگذاری باز رفتارهای ناسازگار مخالفان

شناسه	استناد	رفتار ناسازگار مخالفان
R1	«فَإِذَا أَمَرْتُمْكُم بِالسَّبْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرْزِ قُلْتُمْ هَذِهِ حِمَاةُ الْقَيْظِ أَمْهَلْنَا يُسَبِّحُ عَنَّا الْحَرْزُ وَ إِذَا أَمَرْتُمْكُم بِالسَّبْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشَّتَاءِ قُلْتُمْ هَذِهِ صَبَاةُ الْقَرْ أَمْهَلْنَا يُنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ، كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرْزِ وَ الْقَرْ فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرْزِ وَ الْقَرْ تَفْرَوْنَ فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ مِنَ السَّيْفِ أَفَرُّ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)	تخلف از جنگ به بهانه گرما و سردی هوا
R2	براساس روایت، مرد توجیه‌گر به آیه استناد کرد: «مَنْ جَاءَ بِالْخَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (انعام، ۱۶۰)	توجیه عمل نامشروع (صدقه با مال غیر) با قرآن

شناسه	استناد	رفتار ناسازگار مخالفان
R3	«عن ابن عباس، قَالَ: تَبَيَّنَا أَنَا أَمَشِي مَعَ عَمْرِ يَوْمًا إِذْ تَنَفَّسَ نَفْسًا طَنَنْتُ أَنَّهُ قَدْ قُضِيَتْ أَصْلَاغُهُ، قَالَ: إِنْ صَاحَبَكَ أُولَى النَّاسِ بِهَا - يَعْنِي عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قُلْتُ: أَجَلٌ، وَ اللَّهُ إِنِّي لَا أَقُولُ ذَلِكَ فِي سَابِقَتِهِ وَعِلْمِهِ وَ قَرَابَتِهِ وَصَهْرِهِ. قَالَ: إِنَّهُ كَمَا ذَكَرْتُ، وَ لَكِنَّهُ كَثِيرُ الدَّعَايَةِ» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۱۱۹)	حذف رقیب به بهانه واهی (شوخی طبعی امیرالمؤمنین)
R4	«إِنَّمَا قَتَلَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ لِمَا أَلْفَاهُ بَيْنَ رَمَاحَتَا ابْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵)	غلط‌اندازی معاویه با معکوس جلوه دادن مصداق حدیث نبوی درباره قتل عمار در صفین
R5	«مَا اسْتَجَبَلَ مُتَجَرِّدًا لِلطَّلَبِ بِدَمِ عُثْمَانَ إِلَّا خَوْفًا مِنْ أَنْ يَطْلُبَ بِدَمِهِ، لِأَنَّهُ مَظْنُونُهُ، وَ لَمْ يَكُنْ فِي الْقَوْمِ أَحْرَصُ عَلَيْهِ مِنْهُ، فَأَرَادَ أَنْ يُعَالِطَ بِمَا أَجْلَبَ فِيهِ لِلْيُسُ الْأَمْرِ وَ يَقَعِ الشُّكُّ ... وَ جَاءَ بِأَمْرِ لَمْ يُعْرِفْ بَابَهُ، وَ لَمْ تَسْلَمْ مَعَاذِيرُهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۴)	با ادعای خونخواهی، قتل را به گردن امام انداختند، گرچه خود در مظان اتهام بودند
R6	«لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ (إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ)» (انعام، ۵۷)	خوارج، امام را متهم به عدم پیروی از قرآن نموده و خود را پیرو واقعی قرآن قلمداد کردند
R7	«ذُوقُوا الْعُيُوبَ يَجُوبُونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَسَّعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۲۱)	صاحب عیب دوست دارد عیب مردم را شایع کند، تا عذری برای عیب‌های خودش وجود داشته باشد
R8	«جَعَلَهَا فِي [سِتِّهِ] جَمَاعِهِ زَعَمَ أَنِّي أَحَدُهُمْ، فَيَا لَلَّهِ وَ لِلشُّوْرَى! مَتَى اغْتَرَضَ الرَّيْبُ فِي مَعَ الْأَوَّلِ مِنْهُمْ، حَتَّى صِرْتُ أَقْرَنُ إِلَى هَذِهِ التَّظَانِرِ! لَكِنِّي أَسْقَفْتُ إِذْ أَسْقَوْا وَ طَرِزْتُ إِذْ طَارَوا» (نهج البلاغه، خطبه ۳)	هم‌ردیف محسوب شدن با اعضای شورای شش نفره
R9	«فَإِنْ أَقَلَّ يَقُولُوا: حَرَضَ عَلَى الْمُلْكِ» (نهج البلاغه، خطبه ۵)	تهمت حرص بر حکومت
R10	«أَمَّا قَوْلُكُمْ: أَكُلْتُ ذَلِكَ كَرَاهِيَةِ الْمَوْتِ؟ فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي؛ دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أَوْ خَرَجْتُ الْمَوْتِ إِلَى» (نهج البلاغه، خطبه ۵۵)	تهمت ترس از مرگ
R11	«وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ زَأْيِي بِالْعُصْبَانِ وَ الْجَذَلَانِ حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شَجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْخَزْبِ لِلَّهِ أَبُوهُمْ وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَ هَا أَنَا ذَا قَدْ دَرَفْتُ عَلَى السَّتِّينَ وَ لَكِنْ لَا زَأْيَ لِمَنْ لَا يَطَاعُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷)	تهمت عدم دانش و فنون جنگی
R12	«وَ قُلْتُ إِنِّي كُنْتُ أَقَادُ كَمَا يَقَادُ الْجَمَلُ الْمُخْشَوْشُ حَتَّى أَبَايَعُ» (نهج البلاغه، نامه ۲۸)	تحقیر برای عدم توفیق در کسب مقام خلافت
R13	«مَا مِنْ أَحَدٍ بَنِيهِ إِلَّا مِنْ ذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۲)	حقارت درونی ریشه کبر و آن منجر به بروز مکانیزم رشد نایافته همه کاروانی
R14	«لَا تُجَارِبَنَّ مُعَاوِيَةَ فِي بَاطِلِهِ فَإِنَّ مُعَاوِيَةَ غَمَصَ النَّاسَ وَ سَفَهَ الْحَقَّ» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۰)	مستکبرین برای تسکین خواری درونی خود، دیگران را خواری می‌کنند.

شناسه	استناد	رفتار ناسازگار مخالفان
R15	إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ (توبه، ۱۱۱)	استفاده ابزاری خوارج از قرآن برای پاکسازی خود
R16	«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» (بقره، ۲۰۷)	خوارج تحت عناوین مختلف می‌کوشند تا نام «مارقه یا خارجی از دین» بر ایشان اطلاق نشود
R17	«وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ» (نساء، ۱۰۰)	تلاش خوارج برای کسب جایگاه اجتماعی
R18	«إِنْ أُمِيتُمْ خُسُفًا وَإِنْ خُورِبْتُمْ خُرُوبًا وَإِنْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى إِمَامٍ طَعَنْتُمْ وَإِنْ أُجْتِنْتُمْ إِلَى مُشَاقَّةٍ نَكَصْتُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۰)	بهانه‌جویی در تخلف از جنگ
R19	«وَأَحْكُمُ عَلَى جِهَادِ أَهْلِ الْبَغْيِ فَمَا آتَى عَلَى آخِرِ قَوْلِي حَتَّى أَرَاكُمْ مُتَفَرِّقِينَ أَبَايَ سَبَا تَرْجِعُونَ إِلَى مَجَالِسِكُمْ وَتَتَخَذِعُونَ عَنْ مَوَاعِظِكُمْ أَقْوَمُكُمْ غُدُوَّةً وَ تَرْجِعُونَ إِلَيَّ عَشِيَّةً كَظْهِرِ الْحَبِيَّةِ عَجَزَ الْمُقَوْمُ وَ أَعْضَلَ الْمُقَوْمُ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷)	متفرق شدن به هنگام مقاومت و جهاد
R20	«وَأِنْ أَسْكَنْتُمْ يَقُولُوا: جَزَعَ مِنَ الْمَوْتِ هَيْهَاتَ بَعْدَ اللَّيْلِ وَاللَّيْلُ أَبَى طَالِبِ أَسْأَ بِالْمَوْتِ مِنَ الطُّفْلِ يَنْدِي أُمُّهُ، بَلْ أَنْدَجَتْ عَلَى مَكْنُونٍ عِلْمٍ «لَوْ بُحْتُ بِهِ لَأَضْطَرُّبْتُمْ اضْطِرَابَ الْأُرْشِيَةِ فِي الطَّوِيِّ الْبَعِيدَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۵)	تهمت ترس از مرگ در جنگ
R21	«وَقَالَ عُمَرُ إِذْ دَخَلَ الشَّامَ وَ رَأَى مُعَاوِيَةَ: هَذَا كَسَرَى الْعَرَبَ وَ كَانَ تَلْقَاهُ مُعَاوِيَةُ فِي مَوْكَبٍ عَظِيمٍ، فَلَمَّا دَنَا مِنْهُ قَالَ لَهُ: أَنْتَ صَحْبُ الْمَوْكَبِ الْعَظِيمِ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: مَعَ مَا يَبْلُغُنِي مِنْ وَقُوفِ ذَوِي الْحَاجَاتِ بِيَاكٍ؟ قَالَ: مَعَ مَا يَبْلُغُكَ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: لَوْ أَمْ تَقْعَلُ هَذَا؟ قَالَ: نَحْنُ بَارِضُ جَوَاسِيْسِ الْعَدُوِّ بِهَا كَثِيرًا، فَيَجِبُ أَنْ نَظْهَرَ مِنْ عِزِّ السُّلْطَانِ مَا نَرْهَبُهُ بِهِ، ... فَقَالَ عُمَرُو: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا أَحْسَنَ مَا صَدَرَ الْفَتَى عَمَّا أَوْرَدْتَهُ فِيهِ!» (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۴۱۷-۱۴۱۸)	سعی در پوشاندن عیوب خود با استفاده از زرق و برق‌های دنیوی

در جدول (۲)، کدگذاری محوری رفتارهای ناسازگار مخالفین انجام شده که شامل انواع بهانه‌ زمانی، شرعی، اخلاقی است. همچنین، تحقیر و استهزاء و تطهیر خود از گناهان از دیگر رفتارهای شاخص مخالفان است.

جدول ۲- کدگذاری محوری رفتارهای ناسازگار مخالفان

شناسه	رفتارهای ناسازگار مخالفان	مؤلفه‌های رفتاری
R1 R18 R19	تخلف از جنگ به بهانه گرما و سردی هوا	بهانه زمانی
R2	توجیه عمل نامشروع (صدقه با مال غیر) با قرآن	بهانه شرعی
R3	حذف رقیب به بهانه واهی	بهانه اخلاقی
R4	غلط‌اندازی معاویه با معکوس جلوه دادن مصداق حدیث نبوی درباره قتل عمار یاسر در صفین	قاتل جلوه دادن بی‌گناه
R5	با ادعای خونخواهی، قتل را به گردن امام انداختند، گرچه خود در مظان اتهام بودند	فرافکنی نسبت به عمل زشت خود

شناسه	رفتارهای ناسازگار مخالفان	مؤلفه‌های رفتاری
R6	خوارچ نخستین خطای خود را به گردن امام (ع) انداختند و او را به توبه فراخواندند	تنزیه خود از خطا
R7	صاحب عیب دوست دارد عیب مردم را شایع کند، تا عذری برای عیب‌های خودش وجود داشته باشد	علت تحقیر دیگران
R8	هم‌ردیف محسوب شدن با اعضای شورای شش نفره	تحقیر اجتماعی
R9	حرص بر حکومت	تحقیر اخلاقی
R10	ترس از مرگ	تحقیر اخلاقی
R11	عدم دانش و فنون جنگی	تحقیر علمی
R12	عدم توفیق در کسب مقام خلافت	تحقیر سیاسی
R13	حقارت درونی ریشه کبر و آن منجر به بروز مکانیزم رشد نایافته همه‌کارخوانی	علت کبر و غرور
R14	مستکبرین برای تسکین خواری درونی خود، دیگران را خوار می‌کنند	خوار کردن مردم
R15 R16 R17	خوارچ تحت عناوین مختلف، می‌کوشند تا نام «مارقه یا خارجی از دین» بر ایشان اطلاق نشود	تطهیر ننگ گذشته
R20	مردم منافق و تبیل برای اینکه کارشکنی‌های خود را توجیه کنند، امیرالمؤمنین (ع) را به ترس از جنگ مذمت می‌کردند	تهمت به دیگران برای حفظ آبروی خود
R21	سعی در پوشاندن عیوب خود با استفاده از زرق و برق‌های دنیوی	عیب‌پوشی

کدگذاری محوری و انتخابی در مورد رفتار مخالفان انجام شد و منجر به کشف ۲۱ مصداق رفتار ناسازگار، ذیل ۱۱ مؤلفه رفتاری و در نهایت، پنج طبقه رفتار ناسازگار قرار می‌گیرد. این پنج قسمت شامل بهانه‌جویی، فرافکنی، بی‌ارزش‌سازی و همه‌کارخوانی و والایش ساختگی است:

جدول ۳- کدگذاری انتخابی رفتارهای ناسازگار مخالفان برای اصطیاد ابعاد پنج‌گانه رفتارهای ناسازگار

موضوع	ابعاد رفتارهای ناسازگار مخالفان	مؤلفه‌های رفتاری	رفتارهای ناسازگار مخالفان
رفتارهای ناسازگار روانی مخالفان	بهانه‌جویی	بهانه‌زمانی	تخلف از جنگ به بهانه گرما و سردی هوا
		بهانه شرعی	توجیه عمل نامشروع (صدقه با مال غیر) با قرآن
		بهانه اخلاقی	حذف رقیب به بهانه واهی
	فرافکنی	قاتل جلوه دادن	غلط‌اندازی معاویه با معکوس جلوه‌دادن مصداق حدیث نبوی درباره قتل عمار باسر در صفین
		بی‌گناه	با ادعای خونخواهی، قتل را به گردن امام انداختند، گرچه خود در مظان اتهام بودند
		تنزیه خود از خطا	خوارچ نخستین خطای خود را به گردن امام (ع) انداختند و او را به توبه فراخواندند
	همه‌کارخوانی	علت	حقارت درونی ریشه کبر و آن منجر به بروز مکانیزم رشد نایافته همه‌کارخوانی
		خوار کردن مردم	مستکبران برای تسکین خواری درونی خود، دیگران را خوار می‌کنند
	بی‌ارزش‌سازی	اخلاقی	حرص بر حکومت
			ترس از مرگ
		علمی	عدم دانش و فنون جنگی
		سیاسی	عدم توفیق در کسب مقام خلافت
	والایش ساختگی	تطهیر ننگ گذشته	خوارچ تحت عناوین مختلف، می‌کوشند تا نام «مارقه یا خارجی از دین» بر ایشان اطلاق نشود
		عیب‌پوشی	سعی در پوشاندن عیوب خود با استفاده از زرق و برق‌های دنیوی

۱-۶-۱. دلیل تراشی^۱

دلیل تراشی، نسبت دادن انگیزه‌های منطقی یا مطلوب جامعه به رفتار است؛ تا به نظر برسد که فرد عاقلانه رفتار می‌کند (نولن-هوکسما و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۲۱). این مکانیزم به شکل بیان دلایل شخصی و توجیه رفتار است. عامل تنش‌زا، در واقع تکانه‌های غیرقابل قبول اجتماع است که منجر به ارائه دلایل نادرست، ولی اجتماع‌پسندانه برای توجیه رفتار از سوی شخص ناسازگار می‌شود (اوتمر و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۹۵؛ بلکمن، ۲۰۰۴، ص ۱۴). بنابراین، افراد تحت فشار، غالباً در برابر دیگران می‌کوشند بهانه و علتی غیر از نارسایی‌های شخصی برای کوتاهی و لغزش‌های خود بیابند؛ تا به این وسیله از احساس نگرانی، گناه و خودکمترینی خویش بکاهند و از اعتراض و انتقاد دیگران نیز مصون بمانند. شخص برای عیب‌پوشی، بی‌تقصیر جلوه دادن یا به‌خاطر سوءاستفاده، کینه‌توزی یا جاه‌طلبی به شکل گمراه‌کننده‌ای به بهانه‌های غیرواقعی متوسل می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۶۲۷-۶۲۶). «توجیه‌گری»، با معکوس جلوه دادن حقیقت، مانع از اصلاح رفتار می‌شود: بسیاری از افراد، «ترس و جبن» خود را به‌عنوان «احتیاط»، «حرص» را به «تأمین آینده»، «تهوّر» را به «قاطعیت»، «ضعف نفس» را به «حیاء»، «بی‌عرضگی» را به «زهّد»، «ارتکاب حرام» را به «کلاه شرعی»، «فرار از زیر بار مسئولیت» را به «ثابت نبودن موضوع» و «ضعف‌ها و کوتاهی‌های» خود را به «قضا و قدر» توجیه می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۶۳). در عصر امیرالمؤمنین(ع) مردم نیز عمل خلفای پیشین را مبنای صحت قرار داده بودند و عقیده خود را به تقلید از ایشان توجیه می‌کردند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۷۲، خ ۹۶). دلیل تراشی در روایات با تعبیر «تأویل قبیح» نیز بیان شده است (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۵). هنگام انتخاب جانشین پیامبر(ص) نیز عده‌ای، چندین ایراد بنی اسرائیلی مطرح کردند که از آن جمله، جوانی امیرمؤمنان(ع) و شوخ‌طبعی ایشان است که با سیاستمداری نمی‌سازد؛ چنانچه در شورای شش نفره فضائل حضرت را به بهانه‌ای ناچیز نادیده گرفتند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۱۱۹).

۱-۶-۲. فرافکنی^۲

فرافکنی یعنی شخص برای جبران شکست و پوشاندن عیوب خود سعی می‌کند گناه را به گردن دیگران بیاندازد و بدین طریق، حرمت نفس خود را حفظ می‌کند (گنجی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۰). سازوکار دفاعی برون‌فکنی، ما را از قبول خصوصیات ناخوشایندمان با انتساب اغراق‌آمیز آنها به دیگران حفظ می‌کند. در این چارچوب، تمایلات هوس‌آلود، پرخاشگرانه یا سایر تکانه‌های ناپذیرفتنی، در دیگران دیده می‌شوند، نه

1. Justification

2. Projection

در خودمان (شولتز و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۶). یکی از مصادیق بارز فرافکنی‌هایی که در تاریخ ذکر شده، غلط‌اندازی معاویه از طریق معکوس جلوه دادن مصداق حدیث نبوی درباره قتل عمار است. وقتی وی در صفین شهید شد، مردم فزع شدیدی کردند و گفتند که رسول خدا(ص) فرمود عمار را قومی ستمگر و ظالم خواهد کشت. عمرو عاص خبر اضطراب و حیرت بین مردم را به معاویه رساند. وی برای باطل کردن این حدیث گفت، علی بن ابی طالب(ع) او را کشت؛ چراکه او عمار را به جنگ فرستاد. این مطلب به امیرالمؤمنین(ع) رسید. ایشان در پاسخ این فرافکنی فرمود: پس حمزه را نیز رسول الله(ص) کشت؛ چراکه او حمزه را به جنگ با مشرکین فرستاد (التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵). از دیگر نمونه‌های فرافکنی این است که خوارج بعد از صفین، گناه خود را به دیگران فرافکنی کردند و به دیگران اتهام کفر زدند. خوارج در حقیقت، تشکلی از جریان‌های ناساز قبیله‌ای بودند که سعی داشتند با پدید آوردن یک تشکل دینی آرمانی، خود را از تنیدگی رها سازند. ایجاد این تشکل مذهبی جدید برای تخلیه فشار روانی و رفع تنیدگی به واسطه خروج از قبایل خود بود؛ که البته در باور، بسیار ساخت‌نایافته و ابتدایی بودند (پاکتچی، ۱۳۸۵، ص ۹۹-۱۰۱). این گروه بعد از آشکار شدن فریب معاویه، حاضر به پذیرش اشتباه خود در انتخاب حکم نشدند؛ لذا، با شعار «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرافکنی نموده و با اتهام خطا و کفر از اردوگاه امام(ع) جدا شدند (ویژه‌نامه فرقه‌های خوارج، ۱۳۹۸/۴/۱۹). آنها خطای خود را به گردن امام(ع) انداختند و او را به توبه فراخواندند.

۳-۱-۶. والایش ساختگی

در والایش^۱، فرد تمایلات نامقبول اجتماعی خود را در ظاهر اجتماع‌پسندانه بروز می‌دهد (گنجی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵). خوارج برای اینکه خود را تطهیر نمایند، سعی کردند نام بامسمایی برای خود اختیار کنند تا ننگ خروج از دین را از چهره خود بیالایند. اینان از آن جهت «مارقه» نامیده شدند که در دین وارد شدند و سپس، به شتاب گذر تیر از کمان، از دین بیرون رفتند. «يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۲۴).

۴-۱-۶. بی‌ارزش‌سازی^۲

فرد با این تصور که دیگران پست و حقیرند، به بیان جملاتی می‌پردازد که حاکی از بی‌ارزش کردن آنها است یا به دنبال بی‌ارزش کردن هدفی است که خود نمی‌تواند به آن دست یابد؛ ولی دیگران به آن موقعیت رسیده‌اند (بلکمن، ۲۰۰۴، ص ۱۵). این خصلت، در یک بازخورد افزایشی منجر به صفت بهانه‌جویی نیز

1. Sublimation
2. Devaluation

می‌شود؛ چه‌اینکه امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «کسانی که خود عیب دارند، مشتاق شایع شدن عیب‌های دیگرانند، تا جای عذر و بهانه برای عیب‌های خودشان باز بماند» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۵۸، ح ۴۷۵۵؛ تیممی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۱). گاه تحقیر به این است که شخص بلندمرتبه‌ای را با افراد دون‌پایه هم‌شان کنند. برای امیرالمؤمنین(ع) هم‌ردیف شدن با اعضای شورای شش نفره، بسیار مکروه بود: «سپس خلافت را در گروهی قرار داد که پنداشت من هم‌سنگ آنانم! پناه بر خدا از این شورا!» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳). در سایر خطبه‌ها، نمونه‌های دیگری از بی‌ارزش‌سازی توسط دشمنان بیان شده است: تهمت منافقین به امیرالمؤمنین(ع) بر ترس از مرگ و حرص حکومت (همان، خطبه ۵ و ۵۵)؛ فرافکنی طلحه و زبیر در مورد ادعای قتل عثمان (همان، خطبه ۱۷۴)؛ تحقیر توسط معاویه به‌جهت بستن دست حضرت در واقعه حرق باب (همان، نامه ۲۸) یا اینکه مردم، نافرمانی خود را به گردن امیرالمؤمنین(ع) انداختند و گفتند وی دانش جنگی ندارد (همان، خطبه ۲۷).

۵-۱-۶. همه‌کار توانی^۱

تعارضات هیجانی مثل احساس حقارت، شکست و عزت‌نفس پایین موجب می‌شود شخص در یک فرآیند معکوس، احساس حقارت خود را به احساس و اعمال بزرگ‌منشانه تبدیل کند (اوتر و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۹۹). این کار در منابع اسلامی با صفت کبر شناخته می‌شود. متکبر به‌چشم حقارت به دیگران نگاه می‌کند و حق را از ایشان قبول نمی‌کند. همچنین، صفات کمالی را به خود منسوب می‌کند (غزالی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵۷-۲۵۵). امام صادق(ع) می‌فرماید: «هیچ‌کس نیست که تکبر ورزد، مگر بر اثر خواری و حقارتی که در خود می‌بیند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۱۲). احساس حقارت درونی، موجب نمایشی غیرحقیقی از خود می‌شود تا نفس، خواری‌اش را جبران کند. در هویت روانی معاویه، فرمانروایی مطلق مشهود بود (روشنفکر، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). از دیدگاه امیرالمؤمنین(ع) معاویه مبتلای به «کبر» است؛ چنانکه در نامه‌ای به عمروعاص می‌نویسد: «با معاویه شریک و همدم در باطلش مشوا زیرا که معاویه مردم را تحقیر کرده و حق را خوار شمرده است» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴ق، ص ۱۱۰). حالت متکبرانه، آغاز خلافت معاویه بود که پس از آن با استحکام پایه خلافت خود، نظام پادشاهی را احیاء کرد (بشیر و جانی‌پور، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱).

۶-۲. روش مواجهه، تصحیح و تربیت رفتار ناسازگار در احادیث

این روش‌ها در ساحت ضمیر درونی و بروز رفتار خارجی، یا در ساحت فردی، خانوادگی و اجتماعی

است: ۱) عدم تلقین بهانه؛ ۲) رفتار دوگانه‌نما؛ ۳) افشاءسازی؛ ۴) آگاه‌سازی. نحوه مواجهه، کنترل و مدیریت رفتارهای ناشی از تحریکات روانی به جهت پیچیدگی‌های روان انسان، نیازمند دقت نظر و عمل بیشتری است. ۲۷ رفتار ناظر به اداره روان افراد هنگام بروز رفتار ناسالم روانی، از میان احادیث گردآوری شد.

جدول ۴- کدگذاری باز مدیریت رفتارهای ناسازگار مخالفان

شناسه	استناد	مدیریت
M1	«قال لا تلقوا الكذب فيكذبوا فإن بني يعقوب لم يعلموا أن الذنب يأكل الإنسان حتى لقتلهم أبوه» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۳۱)	عدم بیان بهانه‌های احتمالی
M2	«مَنْ عَذَرَ ظَالِمًا بِظُلْمِهِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ يَظْلِمُهُ، فَإِنْ دَعَا لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ، وَلَمْ يَأْجُزْهُ اللَّهُ عَلَى ظُلَامَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۸)	بیان آخر و عاقبت رفتار
M3	امیرالمؤمنین(ع): شبهه چهار شاخه دارد؛ دل باختن در برابر آراستگی، وسوسه نفس، توجیه کردن کجی‌ها، و آمیختن حق به باطل (محمدری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۷۳، ح ۹۳۰۱)	بیان جایگاه توجیه بدی‌ها
M4	بخیل، انواع عذر و بهانه را می‌آورد (محمدری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۱۷۳۱-۱۷۳۲)	بیان دلیل بهانه‌جویی
M5	«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يَا خَوَانِكُمْ تَغْتَابُوا بِهَا صَفَاءَ الْقُلُوبِ وَ إِثَاءَ [تَقَاءَ] الطُّلُوعِ» (مصباح الشریعة، ۱۴۰۰، ص ۱۷۴)	عذرتراشی مثبت در برابر عذرتراشی منفی
M6	«الرضا: فَعَلْتُهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّينَ عَنِ الطَّرِيقِ بِوُقُوعِي [إِلَى مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِكَ]» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۹)	عدم ایجاد حساسیت برای جلوگیری از اعمال نفوذ
M7	امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمود: «خداوند عثمان را کشت و من هم همراهش بودم» و گاه می‌فرمود: «من به آن کار فرمان ندادم و از آن منع هم نکردم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۷۳-۳۷۴)	عدم افشای عقیده برای جلوگیری از فروپاشی سپاه
M8	«امرني معاوية ان أسب علياً، الا فالعنوه» (جمعی از محققین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴۹)	اجمال در مرجع ضمیر
M9	«و قد دَعَوْتُ إِلَى الْحَزْبِ فَدَعَّ النَّاسُ جَانِباً وَ اخْرَجَ إِلَيَّ وَ أَغْفِ الْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْقِتَالِ لِتَعْلَمَ إِنَّا الْمَرِئِينَ عَلَى قَلْبِهِ وَ الْمُغْطَى عَلَى بَصَرِهِ» (نهج‌البلاغه، نامه ۱۰)	پاسخ قاطعانه به فراق‌کنی‌های خصم
M10	«و مِمَّا نَبِيٍّ وَ مِنْكُمْ الْمَكْدُبُ وَ مِمَّا أَسَدُ اللَّهِ وَ مِنْكُمْ أَسَدُ الْأَخْلَافِ وَ مِمَّا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مِنْكُمْ صَبِيَّةُ النَّارِ وَ مِمَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ مِنْكُمْ حَمَّالَةُ الْحَطَبِ فِي كَثِيرٍ مِمَّا لَنَا وَ عَلَيْكُمْ» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۸)	ایجاد تقابل بین فضائل خود با رذائل خصم
M11	«ما من أحدٍ يَتَّبِعُهُ إِلَّا مِنْ ذِلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۱۲)	بیان ریشه عمل
M12	«نِفَاقُ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۲۲، ح ۳۹)	اعلام خطر برای نفاق
M13	«فَأَنْتُمْ لَا تَخْفَى عَلَيْكُمْ» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۵۶، ح ۱۶۴)	خودآگاهی
M14	«امام صادق(ع): «مَا مِنْ عَبْدٍ أَسْرَ خَيْرًا فَذَهَبَتْ الْأَيَّامُ أَبْدَأَ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا، وَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُسْرِ شَرًّا فَذَهَبَتْ الْأَيَّامُ أَبْدَأَ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ لَهُ شَرًّا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۹۴)	توصیه به عاقبت‌اندیشی، چرا که نیت‌ها آشکار خواهد شد
M15	«إِنَّكَ لَمَّا سَرَفْتَ رَغِيقَيْنِ كَانَتْ سَيِّئَتَيْنِ وَ لَمَّا سَرَفْتَ رَمَانَتَيْنِ كَانَتْ أَيْضاً سَيِّئَتَيْنِ وَ لَمَّا دَفَعْتَهُمَا إِلَى غَيْرِ صَاحِبِهِمَا بَغِيرَ أَمْرٍ صَاحِبِهِمَا كُنْتَ إِنَّمَا أَنْتَ أَصْفَتْ أَرْبَعَ سَيِّئَاتٍ إِلَى أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ وَ لَمْ تُضِفْ أَرْبَعِينَ حَسَنَةً إِلَى أَرْبَعِ سَيِّئَاتٍ فَجَعَلَ يُلَاحِظُنِي فَانْصَرَفْتُ وَ تَرَكْتُهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۶۷-۶۸؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۳-۳۵)	آگاه‌سازی نسبت به فهم غلط از مفاهیم دینی
M16	«الْمَصَائِبُ بِالشَّوْئَةِ مَقْسُومَةٌ بَيْنَ الْبَرِيَّةِ» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰، ص ۷۰، ح ۱۳۴۹)	علم به اینکه همه دچار مشکلات می‌شوند، موجب تشفی قلب است

شناسه	استناد	مدیریت
M17	فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَلَيْسَ مِنْ قَوْلِكَ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِ مُوسَى لِفِرْعَوْنَ: فَعَلْتُهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الصَّالِّينَ؟ قَالَ الرِّضَاءُ (ع): إِنَّ فِرْعَوْنَ قَالَ لِمُوسَى لَمَّا أَنَاهُ: وَ فَعَلْتُ فَعَلْتُكَ الَّتِي فَعَلْتُ وَ أَنتَ مِنَ الْكَافِرِينَ بَى. قَالَ مُوسَى: فَعَلْتُهَا إِذَا وَ أَنَا مِنَ الصَّالِّينَ عَنِ الطَّرِيقِ بِوقوعي [إِلَى مَدِينَةٍ مِنْ مَدَائِنِكَ]. فَفَزَزْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خَفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُزْسَلِينَ» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۴۶۴؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۱۹۹)	از کلام تحریک‌آمیز خودداری نمود و به شیوهای سخن گفت تا آنها نسبت به وی موضع نگیرند.
M18	«مَا أَمَرْتُ فَيَلْزَمَنِي خَطِيئَةُ الْأَمْرِ وَ لَا قَتَلْتُ فَيَجِبَ عَلَيَّ الْقِصَاصُ» (نصربن مزاحم، ۱۴۰۴ق، ص ۵۸).	توریه
M20	«فَاخْرُؤْ لِسَانَكَ، كَمَا تَخْرُؤُ دَهْبَكَ وَ وَرِقَكَ فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَ جَلَبَتْ يَقْمَةً» (نهج البلاغه، حکمت ۳۸۱)	حفظ زبان خود برای دفع ضرر احتمالی از ناحیه دیگران
M25	«وَ اخْرُؤْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْرُؤُ مَالَكَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۲۲)	حفظ زبان خود برای دفع ضرر احتمالی از ناحیه دیگران
M21	«وَ رَعِمْتَ أَنْكَ جُنْتُ ثَائِرًا بِدَمِ عُثْمَانَ وَ لَقَدْ عَلِمْتَ حَيْثُ وَقَعَ دُمُ عُثْمَانَ فَاطْلُبْهُ مِنْ هُنَاكَ إِنْ كُنْتَ طَالِبًا» (نهج البلاغه، نامه ۱۰)	بازگردان فرافکنی به خود شخص و پاسخ مجمل به وی
M22	«وَ ذَكَرْتُ أَنَّهُ لَيْسَ لِي وَ لِأَصْحَابِي عِنْدَكَ إِلَّا السَّيْفُ فَلَقَدْ أَضْحَكْتَ بَعْدَ اسْتِغْبَارِ مَتَى أَلْفَيْتَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَنِ الْأَعْدَاءِ تَاكَلِينَ وَ بِالسَّيْفِ مَخُوفِينَ فَلَبِثَ قَلِيلًا يَلْحَقُ الْهَيْجَا حَمَلٌ فَسَيَطْلُبُكَ مَنْ تَطْلُبُ وَ يَقْرُبُ مِنْكَ مَا تَسْتَبِيدُ» (نهج البلاغه، نامه ۲۸)	پاسخ قاطعانه به فرافکنی‌های خصم
M23	«فَأَنَا أَبُو حَسَنِ قَاتِلُ جَدِّكَ وَ أَخِيكَ وَ خَالَكَ شَذَخًا يَوْمَ بَدْرٍ وَ ذَلِكَ السَّيْفُ مَعِي وَ بِذَلِكَ الْقَبْلُ أَلْقَى عَدُوِّي مَا اسْتَبَدَلْتُ دِينًا وَ لَا اسْتَحْدَثْتُ نَبِيًّا وَ إِنِّي لَعَلَى الْمُنْهَاجِ الَّذِي تَرَكْتُمُوهُ طَائِعِينَ وَ دَخَلْتُمْ فِيهِ مَكْرَهِينَ» (نهج البلاغه، نامه ۱۰)	معرفی فضائل خود در مقابل تحقیرهای خصم و بیان نقص‌های آشکار آنها
M24	«وَ اللَّهُ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَدْهَى مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يَفْذِرُ وَ يُفْجِرُ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰)	بیان صورت واقعی رفتارهای ناسازگار
M25	«السَّيْفَةُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: إِعْجَابٌ بِالزَّيْنَةِ، وَ تَسْوِيلُ النَّفْسِ، وَ تَأْوِيلُ الْعَوَجِ، وَ لُبْسُ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ» (محمدری شهری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۷۳، ح ۹۳۰۱)	بیان علت بهانه‌جویی و شبهه‌افکنی
M26	«الْبَخِيلُ مُتَحَجِّجٌ بِالْمَعَاذِرِ وَ التَّمَالِيلِ» (محمدری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۱۷۳۲)	بیان اوصاف افراد بهانه‌تراش
M27	«كَتَرَةُ الْعِلَلِ آيَةُ الْبُخْلِ» (محمدری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۱۷۳۱)	بیان علانم (بهانه‌تراشی نشانه بخل)

چگونگی مدیریت رفتارهای مخالفان در چهار مؤلفه عدم تلقین بهانه، آگاه‌سازی، توجیه مثبت و رفتار دوگانه‌نما قرار می‌گیرد:

جدول ۳- کدگذاری محوری مدیریت رفتارهای ناسازگار مخالفان

شناسه	مدیریت رفتارهای ناسازگار	مؤلفه‌های مدیریت
M1	عدم بیان بهانه‌های احتمالی	عدم تلقین بهانه
M5	حمل عذرتراشی مقصر بر دلیل واقعی	
M2	بیان آخر و عاقبت رفتار	آگاه‌سازی
M3	بیان جایگاه توجیه بدی‌ها	
M4	بیان دلیل بهانه‌جویی	
M11	بیان ریشه عمل	

	اعلام خطر برای نفاق	M12
	توجه به خودآگاهی	M13
	آگاهسازی نسبت به فهم غلط از مفاهیم دینی	M15
	علم به اینکه همه دچار مشکلات می شوند، موجب تشفی قلب است	M16
	بیان صورت واقعی رفتارهای ناسازگار	M24
	بیان علت بهانه جویی و شبهه افکنی	M25
	بیان اوصاف افراد بهانه تراش	M26
	بیان علایم (بهانه تراشی نشانه بخل)	M27
	توصیه به عاقبت اندیشی، چرا که نیت ها آشکار خواهد شد	M14
رفتار دوگانه نما	عدم ایجاد حساسیت برای جلوگیری از اعمال نفوذ	M6
	عدم افشای عقیده برای جلوگیری از فروپاشی سپاه	M7
	دفع ضرر طاغی	M8
	از کلام تحریک آمیز خودداری نمود و به شیوه ای سخن گفت تا آنها نسبت به وی موضع نگیرند.	M17
	توریه	M18
	حفظ زبان خود برای دفع ضرر احتمالی از ناحیه دیگران	M20
	بازگردان فرافکنی به خود شخص و پاسخ مجمل به وی	M25
		M21
افشاء قاطعانه	پاسخ قاطعانه به رجز خوانی های خصم	M9
	ایجاد تقابل بین فضائل خود با ردائل خصم	M10
	پاسخ قاطعانه به فرافکنی های خصم	M22
	معرفی فضائل خود در مقابل تحقیرهای خصم و بیان نقص های آشکار آنها	M23

جدول ۶- کدگذاری انتخابی مدیریت رفتارهای ناسازگار مخالفان

به تفکیک رفتارهای ناسازگار بروز یافته

موضوع	مؤلفه های تربیت	شیوه اعمال تربیت دینی مربوط به هر رفتار ناسازگار
رفتارهای ناسازگار مخالفین	عدم تلقین بهانه	برای شخص بهانه جو، نباید مسیرهای احتمالی به ظاهر عقلایی بیان شود؛ چه اینکه او خود همیشه راه هایی را می تراشد
		حمل عذر تراشی مقصر بر دلیل واقعی
	آگاه سازی	برای شخص بهانه جو، باید آخر و عاقبت رفتارش را تذکر داد
		برای فردی که برای هر بی مسئولیتی اش یک دلیل پیدا می کند، باید جایگاه عمل «توجیه گری بدی ها» را بیان نمود
		برای فرد دلیل تراش، دلیل بهانه جویی اش بیان شود، تا هم خودش متوجه شود و هم دیگران
		بیان ریشه عمل
		بیان صورت واقعی رفتارهای ناسازگار

موضوع	مؤلفه‌های تربیت	شیوه اعمال تربیت دینی مربوط به هر رفتار ناسازگار
رفتار دوگانه‌نما	رفتار دوگانه‌نما	بیان علت بهانه‌جویی و شبهه‌افکنی
		بیان اوصاف افراد بهانه‌تراش
		توصیه به عاقبت‌اندیشی، چراکه نیت‌ها آشکار خواهد شد
		عدم ایجاد حساسیت برای جلوگیری از اعمال نفوذ
		عدم افشای عقیده برای جلوگیری از فروپاشی سپاه
		دفع ضرر طاعی
		از کلام تحریک‌آمیز خودداری نمود و به شیوه‌ای سخن گفت تا آنها نسبت به وی موضع نگیرند.
		توریه
		حفظ زبان خود برای دفع ضرر احتمالی از ناحیه دیگران
		بازگردان فرافکنی به خود شخص و پاسخ مجمل به وی
افشاء قاطعانه	افشاء قاطعانه	پاسخ قاطعانه به رجز‌خوانی‌های خصم
		ایجاد تقابل بین فضائل خود با ردائل خصم
		پاسخ قاطعانه به فرافکنی‌های خصم
		معرفی فضائل خود در مقابل تحقیرهای خصم و بیان نقص‌های آشکار آنها

۶-۲-۱. عدم تلقین بهانه

یکی از روش‌های پیشگیری از بروز دفاع روانی «دلیل‌تراشی»، عدم اشاره به بهانه‌های احتمالی است. از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود دروغ را به کسی تلقین نکنید و راه بهانه را یاد ندهید؛ زیرا باعث می‌شود شخص بالاخره دروغ بگوید. چه اینکه، پسران یعقوب نمی‌دانستند گرگ انسان را می‌خورد، تا وقتی که از پدر شنیدند و یعقوب به آنها تلقین کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۳۱). با توجه به تأثیر ناخودآگاه عاطفی در مکانیزم‌های دفاعی، یکی از راه‌های ورود به ناخودآگاه، «تلقین به نفس» است که در حالت خودآگاهی، تلقین‌هایی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم انجام می‌شود (کاوایی و موسوی، ۱۳۹۸، ص ۹۰).

۶-۲-۲. رفتار دوگانه‌نما

هر نوع رفتار یا سخنی که در آن ظاهر عمل با حقیقت و واقع یکسان نیست و گاه جنبه داستانی هدایتی به خود می‌گیرد، مانند ماجرای برادران حضرت یوسف که در نهایت منجر به شکستن روحیه توجیه‌گری و توبه خطاکاران شد، گاه جنبه حفظ ظاهر دارد؛ که این حالت بر توریه قابل صدق است. اصحاب همواره از موضع امیرالمؤمنین(ع) نسبت به قتل خلیفه سوم سؤال می‌کردند و سیاست حضرت(ع) در مواجهه با این سوال، بستگی به احوال پرسش‌کننده داشت و می‌فرمود: «خداوند عثمان را کشت و من هم همراهش بودم» یا «من به آن کار فرمان ندادم و از آن، منع هم نکردم». حضرت(ع) می‌دانست هرگاه با یکی از آن دو

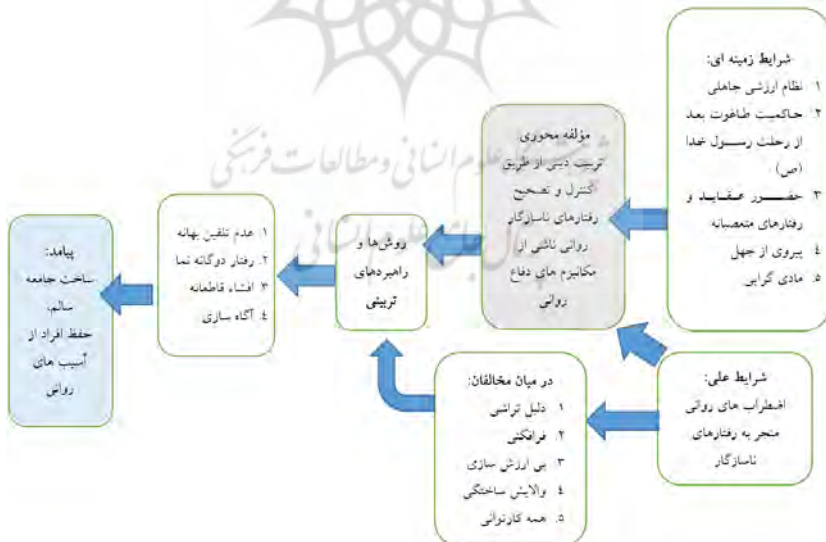
گروه موافقت کند، دیگری اختلاف خود را با او آشکار می‌کند و از یاری او خودداری خواهد کرد و در جواب آنان به گونه‌ای پاسخ می‌داد که هر دو طرف می‌پنداشتند که موافق اعتقاد او است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵، ج ۳۳، ص ۳۷۳-۳۷۴). بر این اساس، حضرت (ع)، سعی در مدیریت رفتارهای سربازان خود داشت؛ تا از این رهگذر به واسطه ترک جهاد، فشار مجددی را بر وی تحمیل نکنند. امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ به معاویه که خونخواهی از عثمان را دستاویز کرده بود، فرمود: «اگر من دستور داده‌ام، گناهش بر من است و اگر من قاتلم، قصاص بر من» (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق، ص ۵۸) و در پاسخ فرافکنی معاویه به خاطر قتل خلیفه سوم، آن را به سوی خود معاویه بازگرداند و در عین حال صراحتی نسبت به نام قاتلان نکرد (نهج البلاغه، نامه ۱۰، ص ۳۷۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۱۹). عقیل برادر امام (ع) نیز با مردد نمودن مرجع ضمیر و اجمال در سخن، هنگامی که در تنگنا سعی در دفع ضرر معاویه داشت، گفت: «امرني معاوية ان أسب علياً، الا فالعنه». چنین مطلبی در مورد «حُجَرُ الْمَدْرِي» نیز که احمد بن ابراهیم، خلیفه اموی او را مجبور به لعن کرد، نقل شده است (جمعی از محققین، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۳۹۰). در مجلسی از هر دو مذهب، از ابن جوزی سؤال شد: ابوبکر افضل است یا علی؟ جواب داد: «من کانت ابنته تحته (بیته)» و وقتی از عدد ائمه سؤال شد؛ گفت: «الی کم اقول اربعة اربعة اربعة» (القیسیه الندوی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۳۸).

۶-۲-۳. افشاء قاطعانه

معصومین (ع) نسبت به عمل توجیه‌گر، سکوت نمی‌کردند و ضمن بیان خطای وی را با دلیل صحیح، متوجه راه صواب می‌نمودند. مانند فرد زاهدنمایی که از طریق سرقت صدقه می‌داد و امام صادق (ع) وی را رسوا نمود (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۴۶۷-۴۶۸؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۳-۳۵). امیرالمؤمنین (ع) در مقابل فضا سازی مسموم منتج از فرافکنی حدیث فئه باغیه، حقیقت ماجرا را با یک مثال هوشمندانه روشن ساخت: «پس حمزه را نیز پیامبر (ص) کشت؛ زیرا او را به میدان فرستاده بود» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵). در نتیجه، ایجاد تناظر بین عملکرد پیامبر (ص) و امام (ع)، بطلان استدلال معاویه را آشکار ساخت. حضرت ضمن افشای بطلان راه وی، توانایی او در مبارزه را نیز به چالش می‌کشد و همواردطلبی می‌نماید (نهج البلاغه، نامه ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۸). همچنین، با بیان افتخاراتش با از بین بردن دشمنان اسلام و تذکر انتساب معاویه به مقتولین کافر، سخنان تحقیرآمیز گذشته‌اش را خنثی می‌کند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۹) و بی‌ارزش سازی و فرافکنی‌های تحقیرآمیز معاویه را با تقابل فضائل خود با رذائل آشکار وی، باطل می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۵۱).

۴-۲-۶. آگاه‌سازی

یکی از جنبه‌های آگاه‌سازی، مربوط به بیان عواقب عمل است. مثلاً «هرکه برای ستم ستمکاری عذر بتراشد [کارهای او را توجیه کند]: خداوند کسی را بر او مسلط گرداند که به وی ستم کند و در این صورت، چنانچه [برای رفع ستم از خود] دعا کند، دعایش مستجاب نشود و خداوند در برابر ستمدیدگی‌اش به او اجر و پاداش ندهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۸؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۵۶۴، ح ۱۱۶۶۲). امیرالمؤمنین (ع) «توجیه بدی‌ها» را یکی از شاخه‌های شبهه‌افکنی و بهانه‌جویی می‌شمرد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۷۳، ح ۹۳۰۱)؛ و از این رهگذر، جایگاه دلیل‌تراشی را نمایان می‌سازد. وقتی بهانه‌تراشی به شکل عادت درآید، خود مرضی است که نشان از بیماری‌های اخلاقی و روانی دیگر دارد. در روایتی، امیرالمؤمنین (ع) به این امر توجه می‌دهند: «بهانه‌تراشی زیاد، نشانه بخل است» و «بخیل، انواع عذر و بهانه را می‌آورد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۱۰، ح ۱۷۳۱-۱۷۳۲). بخل مانند سرطان به تمام جوانب حیات شخصی و اجتماعی وارد می‌شود؛ چه‌اینکه این فقر اختیاری از جنبه اجتماعی نیز مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است و از آن با عنوان «بخل احساسی یا انفعالی»^۱ یاد شده است و آن، حالتی است که شخص از نظر ابراز عواطف انسانی نسبت به دیگران امساک می‌کند -گرچه توانایی بر انجام آن را دارد- و هیچ مشارکتی در تسکین آلام اجتماعی ندارد (امارتیا، ۱۴۲۹ق، ص ۱۱۷).



نمودار ۳- الگوی تربیت دینی برای رفتارهای ناسازگار روانی

۷. نتیجه گیری

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل روان‌شناختی و روایی، رفتارهای ناسازگار مخالفان در متن روایات اهل‌بیت(ع) با تأکید بر احادیث و روایات تاریخی ناظر به گفت‌وگوهای میان حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) و مخالفان -ازجمله قاسطین و ناکثین و مارقین (خوارج)- مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد که این رفتارها قابل تفسیر براساس مفهوم «سازوکارهای دفاع روانی» هستند. یافته‌های این مطالعه، تأثیر مستقیم الگوهای تربیتی و تربیت دینی اهل‌بیت(ع) را در مواجهه با این رفتارها اثبات می‌کند و نقش واکنش‌های پاسخ‌گویی فاعلانه، در حفظ سلامت روان جامعه به‌وضوح نمایان می‌شود. این نتایج، نوآوری مهم این پژوهش را نسبت به پژوهش‌های پیشین مانند تحقیق عباس‌نژاد (۱۳۹۰)، شاملی (۱۳۷۹) و کاویانی و موسوی (۱۳۹۸) تعیین می‌کند؛ که کم‌تر بر اهمیت «مدیریت سازوکارهای دفاع روانی» در متن روایات، به‌ویژه در حوزه تربیت دینی، تمرکز داشته‌اند. در مقایسه با پژوهش‌های مشابه، به‌ویژه کار عباس‌نژاد (۱۳۹۰) که تنها به سازوکارهای دفاع روانی در «قرآن کریم» و به‌طور کلی، بدون اشاره به بخش مدیریت و کنترل فرایندهای ناسازگار اشاره کرده است؛ این مطالعه با رویکرد «روایی، تاریخی و داده‌بنیاد»، سعی در تحلیل مصداقی و عملی این سازوکارها با تمرکز بر روایات و احادیث مربوط به اهل‌بیت(ع) داشته است. به‌علاوه، این پژوهش، نخستین تلاش است که بر پایه مفهوم روان‌شناختی سازوکارهای دفاع روانی، مدل تربیتی مبتنی بر مدیریت سازوکارهای دفاع روانی را پیشنهاد می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های دینی می‌تواند به‌صورت مستقیم در فرایندهای اصلاح و مدیریت رفتارهای ناسازگار مؤثر باشد.

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که پنج نوع رفتار ناسازگار در مخالفان شامل «دلیل‌تراشی، فرافکنی، والایش ساختگی، بی‌ارزش‌سازی و همه‌کارتوانی» مشاهده شده است. نتایج این مقاله با پژوهش‌های دیگر مانند عباس‌نژاد (۱۳۹۰) در وجود مکانیزم دلیل‌تراشی در قوم بنی‌اسرائیل و مکانیزم فرافکنی در فرعون تناسب دارد. همچنین با پژوهش شاملی (۱۳۷۹) در وجود مکانیزم والایش ساختگی برادران یوسف، و مقاله کاویانی و موسوی (۱۳۹۸) در بخش معرفی انواع ناخودآگاه، قابل مقایسه است. اما نوآوری اصلی در این پژوهش، ارائه راهکارهای عملی و مدیریت این رفتارها بر پایه مفاهیم تربیتی و دینی است. براساس تحلیل روان‌شناختی، چهار روش اصلی برای اصلاح این رفتارهای ناسازگار معرفی شده است:

(۱) سطح سلبی: عدم تلقین بهانه؛

(۲) سطح اثباتی: آگاه‌سازی، رفتار دوگانه‌نمایی و افشاگری قاطعانه.

این راهکارها، در قالب الگوهای قابل اجرا، می‌توانند نقش مهمی در ایجاد سلامت روان در جامعه

ایفا کنند و بر پایه تشخیص رفتارهای ناسازگار ناشی از دفاع روانی به شکل بیمارگونه و ناسالم، راهکارهای پیشگیرانه و اصلاحی ارائه می‌دهند که تاکنون در پژوهش‌های این حوزه، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. از نظر نوآوری، این پژوهش نه تنها به تحلیل رفتارهای ناسازگار از منظر روایی و تاریخی پرداخته، بلکه در قالب رویکرد داده‌بنیاد، امکان تحلیل عمیق‌تر و عملی‌تر را فراهم ساخته است. این روش، مجموعه‌ای از مفاهیم و کدهای تربیتی مبتنی بر حدیث و روایات اهل بیت (ع) را شناسایی کرده و در قالب تربیتی- روانی، یک مدل کاربردی برای اصلاح این رفتارها ارائه می‌دهد. بنابراین، یکی از دستاوردهای مهم این مطالعه، ترسیم مدل تربیتی دینی مبتنی بر این مفاهیم است که می‌تواند به عنوان یک الگوی جامع در نظام‌های تربیتی و مدیریتی دینی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در نهایت، براساس تحلیل روان‌شناختی «سازوکارهای دفاع روانی» و داده‌های استخراج شده از روایات، می‌توان یک مدل تربیتی برمبنای «مدل‌های دینی- روانی» از سوی اهل بیت (ع) ارائه داد که بر نقش تربیت دینی در کنترل و اصلاح رفتارهای ناسازگار تأکید دارد. این مدل، با توجه به شرایط تاریخی پس از پیامبر اکرم (ص) و تداوم شکل‌گیری جاهلیت و بازتولید رفتارهای ناسازگار در جامعه، نقش تربیت دینی در کنترل و اصلاح این رفتارها را برعهده دارد و می‌تواند به عنوان یک مؤلفه کلیدی در نظام‌های تربیتی و مدیریتی، برای ارتقاء سلامت روان و تعالی جامعه مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

— منابع —

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد (۱۳۷۵). *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید*. مترجم محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی، ج ۳.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۹). *الخصال*. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا (ع)*. مصحح مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان، ج ۱.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). *معانی الأخبار*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. مصحح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱.

ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق). *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*. محقق: علی محمد البجاوی. بیروت: دار الجیل، ج ۳.

استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت ام. (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبانی، رویه ها و شیوه ها*. ترجمه بیوک مهدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

امارتیا، صین (۱۴۲۹ق). *سیکولوجیة البخل و البخلاء*. مترجم سحر توفیق. *عالم المعرفة، للمجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الادب، العدد ۴۵۱*، ص ۱۱۱-۱۳۶.

اوتمر، اوکهارت؛ اوتمر، زگلینده (۱۳۸۳). *اصول مصاحبه بالینی بر مبنای IV.DSM / دی، اس، ام، ۴*. ترجمه حسین آرومنندی و محسن بهشتی. تهران: نسل فردا.

بشیر، حسن؛ جانی پور، محمد (۱۳۸۸). *شخصیت شناسی معاویه در کلام امیر المؤمنین علی (ع)*. *دین و ارتباطات*، شماره ۲-۱، ص ۱۴۷-۱۷۸.

پاکتچی، احمد (۱۳۸۵). *نظام قبیله ای و خاستگاه خوارج نخستین*. *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۲.

التفسیر المنسوب الی الإمام الحسن بن علی العسکری (ع) (۱۴۰۹ق). قم: مدرسة الإمام المهدي (ع).

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غرر الحکم و درر الکلم*. مصحح مهدی رجائی. قم: دارالکتاب الاسلامی.

جعفر بن محمد امام ششم (ع) (۱۴۰۰ق). *مصابح الشریعة*. بیروت: اعلمی.

جمعی از محققین (۱۳۸۸). *فرهنگ نامه اصول فقه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*. تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۲.

حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ج ۹.

حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *هدایة الأمة الی احکام الأئمة (ع)*. مشهد: بی نا، ج ۶.

خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید (۱۳۹۶). *اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات دانش.

روشنفکر، اکرم (۱۳۹۲). *بررسی نقشه راه حکومت امویان با تکیه بر دشمن شناسی علوی*. *تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی*.

- ۴ (۱۳)، ص ۱۰۹-۱۲۸.
- شاملی، عباسعلی (۱۳۷۹). پیش‌نیازهای بهداشت روانی در سوره مبارکه یوسف (رویکردی تربیتی و روان‌شناختی). معرفت، شماره ۳۸، ص ۱۶-۲۷.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۰). *روان‌شناسی عمومی انسان برای انسانی برخورددار از طبیعت چندگانه! اما واحد!*. تهران: اطلاعات.
- شولتز، دوان بی؛ شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۴). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ویرایش.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمدجواد بلاغی. تهران: انتشارات ناصرخسرو، ج ۵.
- عباس‌نژاد، محسن (۱۳۹۰). *روان‌شناسی و علوم تربیتی (راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز)*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- غزالی، ابوحامد (۱۳۸۰)، *کیمیای سعادت*. به کوشش حسین خدیوچم. تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲.
- فیست، جس؛ فیست، گریگوری جی؛ رابرتس، تامی آن (۱۳۹۶). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: نشر روان.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. محقق: حسین درگاهی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ج ۹.
- القیسیه الندوی، محمود احمد (۱۴۰۳ق). *الامام ابن الجوزی و کتابه الموضوعات*. لاهور: الدراسات العليا.
- کاویانی، محمد؛ موسوی، هانی (۱۳۹۸). *روان‌شناسی در قرآن (بنیان‌ها و کاربردها)*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: الإسلامية، ج ۲.
- گنجی، حمزه (۱۳۷۸). *روان‌شناسی عمومی*. تهران: بعثت.
- لارسن، رندی جی؛ باس، دیوید ام. (۱۳۹۵). *روان‌شناسی شخصیت: حوزه‌های دانش درباره ماهیت انسان*. ترجمه فرهاد جمهری و همکاران. تهران: نشر رشد.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ (لللیثی)*. محقق حسین حسینی بیرجندی. قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹). *میزان الحکمة*. قم: موسسه علمی- فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ج ۵-۶، ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *ترجمه گویا و شرح فشرده‌ای بر نهج البلاغه*. قم: هدف، ج ۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامية، ج ۲۲، ۳.
- نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق). *وقعة صفین*. مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتبه آیة‌الله المرعشی النجفی.
- نظام‌زاده، ضرغام؛ قمری گیوی، حسین (۱۳۸۷). سازوکارهای دفاعی و راه‌های مقابله در افراد مبتلا به اختلال اضطراب منتشر و افسردگی اساسی. *روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۴ (۱)، ص ۳۳-۳۸.
- نولن-هکسما، سوزان؛ فردریکسون، باربارال؛ لافتوس، جفری ر؛ لوتس، کریستل (۱۳۹۵). *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هلیگارد*. ترجمه حسن رفیعی و علی نیلوفری. تهران: کتاب ارجمند؛ با همکاری انتشارات ارجمند، ج ۲.
- ویژه‌نامه فرقه‌های خوارج (۱۳۹۸/۴/۱۹). قابل دسترس در: <https://hawzah.net>

Allan, G. (2003). A critique of using grounded theory as a research method. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 2(1), p. 1-10.

Blackman, J.S. (2004). *101 defenses: how the mind shields itself*. New York: Brunner-Routledge.

- Cramer, P. (2009). *Seven Pillars of Defense Mechanism*. Theory Annual Meeting of the Rapaport-Klein Study Group. URL= <https://www.psychomedia.it/rapaport-klein/cramer09.pdf>
- Sato, H. (2019). *Using grounded theory approach in management research*. *Annals of Business Administrative Science*, p. 1-10. <http://doi.org/10.7880/abas.0190326a>

